

Research Paper

The Relation of Policy Makers and Cinema Workers in Policy Making for Iranian Cinema



*Ebrahim Gholampour Ahangar¹

1. PhD in Public Policy, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Gholampour Ahangar E. (2022). [The Relation of Policy Makers and Cinema Workers in Policy Making for Iranian Cinema (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(41), 12-29.



Received: 13 Dec 2020

Accepted: 05 Sep 2021

Available Online: 01 Feb 2022

Keywords:

Problem, Iranian Cinema, Policy Making in Cinema, Policy Maker Personality, State Manager

ABSTRACT

Iranian cinema has a governmental origin and so far we can find all kinds of positive and negative confrontations between policymakers and filmmakers. An important part of these confrontations has been effective in identifying problems and shaping the agenda of policy makers in cinema. Important factor in the policy-making in an individual-centered system is the issue of personality that influences these confrontations. In this study, by asking the question of how the state acts as the main player in the policy-making process in the face of problems in the field of cinema, the dimensions of the problem and the policy maker's personality are examined. And typology of the different types of responsiveness and expectation in the field of policy making has adapted by using a behavioral model in developmental psychology. In this adaptation, characteristics were drawn for the four types of "authoritarian", "authoritative or decisive", "unengaged" and "permissive" in the field of policy-making, and then by using a survey method and designing a closed questionnaire, Necessary data were collected from 53 people related to Iranian cinema. The findings of the study indicate that the general approach of policy makers in Iranian cinema in choosing a problem or solution is based on "the urgency of the problem" and "external pressure" and "doing something in the management period". And, somewhat contrary to them, "Paying attention to the needs of filmmakers" is less of a concern for policy makers in Iranian cinema.

* Corresponding Author:

Ebrahim Gholampour Ahangar, PhD.

Address: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran.

E-mail: eahangar@gmail.com

مقاله پژوهشی

نسبت سیاست‌گذاران و سینماگران در سیاست‌گذاری برای سینمای ایران

ابراهیم غلامپور آهنگر^۱

۱. دکترای سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

سینمای ایران خاستگاهی دولتی دارد و تاکنون نیز انواع رودررویی‌های مثبت و منفی را میان سینماگران و دولتمردان (سیاست‌گذاران) شاهد بوده‌ایم. بخش مهمی از این رودررویی‌ها بر شناسایی مسائل و شکل‌گیری دستورکار سیاست‌گذاران تأثیرگذار بوده است. عامل مهم شخصیت سیاست‌گذار در یک نظام فردمحور، موضوعی است که در این رودررویی‌ها تأثیرگذار است. در این پژوهش با طرح این پرسش که متولی دولتی سینما به عنوان عامل اصلی در فرایند سیاست‌گذاری سینما در مواجهه با مسائل حوزه سینما چگونه عمل می‌کند، به بررسی ابعاد مسئله و شخصیت سیاست‌گذار پرداخته و با استفاده از مدل رفتاری در روان‌شناسی رشد برای سنخ‌شناسی تیپ‌های مختلف در پاسخ‌گویی و توقع داشتن، آن را در حوزه سیاست‌گذاری انطباق داده است. در این انطباق ویژگی‌هایی برای چهار تیپ «مستبد»، «مقتدر یا قاطع»، «بی‌تفاوت» و «آسان‌گیر» در حوزه سیاست‌گذاری ترسیم و سپس با استفاده از روش پیمایشی و طرح پرسش‌نامه بسته برای ۵۳ نفر از ذی‌نفعان سینمای ایران، داده‌های لازم گردآوری شد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که رویکرد عمومی سیاست‌گذاران سینمای ایران در تصمیم‌گیری برای انتخاب مسئله یا راه‌حل مبتنی بر «حاد بودن مسئله» و «فشار بیرونی» و «انجام کاری در دوره مدیریتی» است و موضوع تا حدی خلاف آن‌ها، یعنی «توجه به نیاز سینماگران»، کمتر مورد نظر است.

تاریخ دریافت: ۲۳ آذر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۴ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۱۲ بهمن ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

مسئله‌شناسی،
سینمای ایران،
سیاست‌گذاری در
سینما، شخصیت
سیاست‌گذار، مدیران
دولتی

* نویسنده مسئول:

دکتر ابراهیم غلامپور آهنگر

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

رایانامه: ehangar@gmail.com

مقدمه

تضاد و همراهی، موافقت و مخالفت، تقابل و تبادل و انواع رودررو شدن‌ها را در این تاریخ برشمرد. این شرایط منجر به بروز و ظهور مسائلی می‌شد که برای هر دو مهم بودند. نتیجه، دستورکارهایی برای سیاست‌گذاری بود که بر مبنای این رودررو شدن‌ها تدوین می‌شدند. دستورکارهایی که گاه در پی پاسخ‌گویی به مطالبات سینماگران و گاه در پی برآوردن توقعات سیاست‌گذار بود.

به عنوان مثال، می‌توان به حمایت دولت برای حذف مالیات از مشاغل سینمایی اشاره کرد که از جمله موارد پاسخ‌گویی به مطالبات سینماگران بوده است. در مقابل ترغیب بخشی از سینماگران برای حضور مردم در انتخابات یا ساخت فیلم‌هایی با موضوعات خاص مورد تأیید نظام سیاسی، از جمله برآوردن توقعات سیاست‌گذار به شمار می‌رفت. این مطالبات و توقعات در قالب مسائل سینمای ایران دستورکار سیاست‌گذاری در سینما را شکل می‌دادند. مسائلی که برای حل آن از بلدیة تا سازمان سینمایی در دولت برپا شدند.

شاید بتوان ادعا کرد که بسیاری از مسائل حل شده، اما همچنان بسیاری دیگر بدون راه‌حل باقی مانده و از مدیری به مدیر دیگر به ارث می‌رسند. مسائلی که به همه رویکردهای مدیریتی سینمای ایران به صورت خاص در نظارت و حمایت و توسعه‌خواهی‌های مادی و معنوی برمی‌گردد. پس از گذشت یکصد و بیست سال از ورود سینما به ایران هنوز دغدغه اصلی سینماگران از یکسو و متولیان فرهنگی هنری از سوی دیگر، امر نظارت است.

هنوز حمایت‌ها نتوانسته به صورت یک نظام مستمر و بدون اشکال که احساس رانت‌بری را از بین ببرد، دریابد. هنوز نتوانسته‌ایم به شکلی مسائل

یکی از مراحل مهم فرایند سیاست‌گذاری عمومی، شناخت مسئله است. شناخت مسئله در واقع درکی از نیازها، مطالبات و توقعات است. دستیابی به این شناخت بیش از هر چیز به تسهیل سایر فرایندهای سیاست‌گذاری کمک می‌کند. در حوزه‌هایی که پیچیدگی مسائل بالاتر می‌رود، اهمیت این شناخت بیشتر می‌شود. بخش‌هایی مانند فرهنگ که گستره مبهمی دارند و مسائل آن به اندازه پیچیدگی انسان هستند، از این دست به حساب می‌آیند.

سیاست‌گذاری در سینما به عنوان مهم‌ترین حوزه فرهنگ با همین چالش مواجه است؛ بنابراین شناخت سیاست‌گذاران سینما از این مسئله موضوعی است که اهمیت دارد. شناخت سیاست‌گذاران نیز متأثر از وضعیت نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است، چراکه در نظام‌های فردمحور، شخصیت سیاست‌گذار در تعیین دستورکار^۱ اثرگذار است. پس پیش‌درآمد سیاست‌پژوهی برای شناخت مسائل در چنین نظامی، شناخت سیاست‌گذار است. بخشی از این شناخت به شخصیت سیاست‌گذار مربوط می‌شود. در نظامی مانند ایران که در تلاطم‌های سیاست‌گذاری بر افراد بیش از سیستم تکیه دارد، بررسی این موضوع در حوزه سینما اهمیت دوچندان پیدامی‌کند.

رابطه دولت و سینما در ایران یک رابطه تاریخی بدون انقطاع است. رابطه‌ای که فراز و نشیب‌های آن تاریخ سیاست‌گذاری در سینمای ایران را شکل داده است. تاریخی که دربردارنده توقیف‌ها، ممانعت‌ها، محرومیت‌ها، حمایت‌ها و تشویق‌ها است. می‌توان

۱. یا تنظیم تقویم سیاست‌گذاری که معادل Agenda Setting است.

سیاست‌گذاری می‌شود. وقتی که چنین فرایند و روندهایی وجود داشته باشد، نسبت میان توقعات و مطالبات نیز دچار نوسان و تلاطم خواهد شد؛ بنابراین دستور کاری نظام‌مند از سیاست‌گذاری در سینمای ایران نمی‌بینیم. نظام‌مندی از این جهت است که انباشت مسائل به عنوان ارثیه سیاست‌گذاران پیشین برای آیندگان نداشته باشیم، بلکه مسائلی حل شده و مسائلی برای حل شدن پیش رو باشد.

با این اوصاف، در این نوشتار در تلاش هستیم با بهره‌گیری از ویژگی چندرشته‌ای بودن سیاست‌گذاری عمومی به این مهم پردازیم که متولی دولتی سینما (سازمان امور سینمایی وزارت فرهنگ) به عنوان عامل اصلی در فرایند سیاست‌گذاری برای سینما در مواجهه با مسائل سینما چگونه پاسخ می‌دهد؟ و به عبارتی نحوه پاسخ‌گویی به مسائل سینما از سوی سیاست‌گذار به چه شکلی است؟ یا نسبت میان توقعات و مطالبات در نظام سیاست‌گذاری در سینمای ایران چگونه می‌تواند باشد.

در مورد نحوه پاسخ‌گویی به مسائل به صورت نظری در علوم مختلف و حتی سیاست‌گذاری عمومی مطالعاتی انجام شده است. در مورد سینمای ایران پژوهشی که به بررسی این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد. اما چند پژوهشگر نزدیک به موضوع این نوشتار مطالعاتی داشته‌اند. شیر محمدی (۱۳۷۶) در کتاب خود به بررسی و معرفی عوامل و کنشگران تأثیرگذار در سیاست‌گذاری برای سینمای ایران قبل و پس از انقلاب اسلامی پرداخته و می‌کوشد تا جریان‌های سیاست‌گذاری در سینمای ایران را از ابتدای ورود تا زمان نگارش کتاب بررسی و عملکرد آن‌ها را نقد کند. غفوری آذر (۱۳۸۸) در مقاله خود به معرفی معاونان سینمایی کشور از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۶ پرداخته و به صورت

را حل کنیم تا هنرمندانی «متعهد آ» داشته باشیم یا فیلم‌هایی تولید شوند که کمترین نگرانی را برای نظام اجتماعی و سیاسی ایجاد کند. هنوز در بسیاری از نقاط ایران سالن سینما نداریم و بیش از ۹۰ درصد فعالیت‌های سینمای ایران در شهر تهران انجام می‌شود (سازمان سینمایی، ۱۳۹۹). امنیت شغلی سینماگران، نبود تنوع ژانر در ایران، ناپایداری تصمیمات مدیران و بسیاری از مسائل دیگر هنوز بدون پاسخ مانده و روی هم انباشته می‌شوند.

شاکله اصلی این مسائل دوسویه دولت و سینماگران است. دولتی که بنا به جایگاه خود در پی اعمال حکمرانی است و به تبع آن توقعاتی از شهروندان خود، در اینجا سینماگران، دارد. در سوی دیگر مطالباتی است که سینماگران از دولت، به عنوان متولی خود برای کسب‌وکار و فعالیت در عرصه عمومی دارند. این توقعات و مطالبات و نحوه پاسخ‌گویی به آن‌ها ایجادکننده شکل یا اشکالی از رابطه است که درک مسائل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. درک و فهمی که سیاست‌گذاران، ذی‌نفعان و ذی‌ربطان را در عرصه سینما در انتخاب و مواجهه با مسئله دچار سوگیری‌های غیرسیستمی، غیرتخصصی و روزمرگی نکند تا حداقل بتوانند سوی‌گیری‌های منشی و سیاستی را غالب کنند.

از این جهت است که شخصیت یا به عبارتی عمومی‌تر سلیقه سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر، که معمولاً فراتر از سیستم عمل می‌کند، در تعیین دستورکار سیاست‌گذاری نقش اصلی را برعهده دارد. اثر شخصیتی (یا سلیقه‌ای) هم با کنار رفتن سیاست‌گذار به احتمال زیاد تغییر خواهد کرد و این باعث کند شدن و حتی درجا زدن نظام

مسائل دولتمردان و شهروندان هم‌زمان می‌توانند مطالبات و توقعاتی، واقعی یا سودجویانه داشته باشند.

از این جهت، فرایند سیاست‌گذاری وقتی به سرانجام تا حدی مطلوب می‌رسد که بتواند به درستی مطالبات و توقعات را به عنوان مسئله اصلی شناسایی کند. به عبارتی نخستین گام، شناسایی و شناخت مسئله به عنوان واقعیت و صورت‌بندی آن برای دستورکار سیاست‌گذاری است که به تنهایی فرایندی در فرایند سیاست‌گذاری عمومی به شمار می‌آید. مراحل آتی سیاست‌گذاری خواسته یا ناخواسته از آن متأثرند.

صورت‌بندی مسئله در حقیقت «یک نظام هدایت مرکزی یا نوعی سازوکار هدایت‌کننده» است که در توفیق مراحل بعدی تجزیه و تحلیل سیاستی مؤثر است؛ بنابراین شناخت مسئله از مهم‌ترین وظایف سیاست‌سازان و سیاست‌پژوهان است. این شناخت از چند بُعد اهمیت دارد:

- حواشی غیرضروری از پیرامون مسئله اصلی کنار زده می‌شود.
- مطالبات و توقعات روشن‌تر می‌شود.
- تجزیه و تحلیل مناسبی را نسبت به فرایند ایجاد می‌کند.
- در اتخاذ سیاست مناسب تأثیر مستقیم دارد.
- در تعریف مسئله (یا مشکل) نظریات چندی مطرح شد. از آن جمله می‌توان به تعاریف ارائه‌شده از سوی سی. کیپنر^۳، ان. هنری، ا. جونز^۴، دورکیم (در الوانی، ۱۳۸۰: ۴۰)، رابرت نیزبت (اورعی، ۱۳۷۴:

مختصر برای هرکدام از این مدیران مواردی چون شاخص اصلی اجرایی و سیاست‌گذاری، شعار اصلی، اظهارنظر شاخص و فیلم‌های معروف دوران مدیریت این سیاست‌گذاران سینمایی را از دیدگاه خود ارائه کرده است.

همچنین حیدری (۱۳۹۵) نیز با متمرکز شدن در دهه شصت به بررسی ابعاد مختلف مدیریت سینمای ایران در این زمان پرداخته که عمدتاً رویکردی تاریخی دارد. پژوهشی نیز در سازمان سینمایی (۱۳۹۸) انجام شده که در آن پژوهشگران به بررسی برنامه‌ها و سیاست‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۷ از منظر وظایف مدیریتی پرداخته‌اند. در این پژوهش وظایف مدیریتی در چهار دسته «برنامه‌ریزی»، «هماهنگ‌سازی»، «فرماندهی» و «کنترل» تقسیم شده‌اند و سپس با برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات انجام شده انطباق داده شده است.

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. درباره «مسئله» در سیاست‌گذاری

در سیاست‌گذاری، توقعات و مطالبات عمومی در قالب مفهوم «مسئله» رخ می‌نمایند و داشتن مسئله از ویژگی‌های اصلی آن به شمار می‌رود. مسئله‌محور بودن چیزی است که لاسول آن را ذاتی سیاست‌گذاری (Lasswell, 1971: 8) دانسته است. سیاست‌گذاری مواجهه‌ای با مجموع مسائل است و به ندرت با یک مسئله مواجه می‌شود و بیشتر اوقات با چندین مسئله روبرو است. این مسائل همیشه یکنواخت و همگن نیستند و به صورت خوشه‌ای درهم‌تنیده که گاه نیز با یکدیگر در تناقض هستند (Pal, 2010: 5)، نمایان می‌شوند. همواره پیرامون

3. C.H. Kepner
4. C.O. Jones

برای مقایسه با وضع مطلوب، از موضوعاتی است که پیش از تعریف مسئله و وارد کردن آن در دستور کار سیاست‌گذاری نیازمند بررسی هستند.

موضوع مهم در این میان نقشی است که سیاست‌گذار به عنوان کنشگر اصلی در شناسایی مسئله و وارد کردن آن به دستور کار سیاست‌گذاری ایفا می‌کند و تعاملی که با سایر کنشگران دارد؛ بنابراین در نظام‌های سیاست‌گذاری که فرد یا شخص حقیقی اهمیت بیشتری از خود نظام دارد، شناخت شخصیت آن‌ها در مسیر تصمیم‌گیری اهمیت دوچندانی می‌یابد، چراکه سیاست‌گذاران نیز در مواجهه با مطالبات عموم مردم و جامعه می‌توانند رفتارهای مختلفی داشته باشند.

۱-۲. مطالبه و توقع در فرایند سیاست‌گذاری

در ادبیات علمی موجود در علوم مختلف به صورت مشخص به مفاهیم «مطالبه» و «توقع» پرداخته نشده است، اما با توجه به ابعاد و مصادیق «ذی‌نفع» می‌توان برای این دو مفهوم شاخص‌هایی در نظر گرفت. ابعاد مفهومی ذی‌نفعان در ادبیات علم مدیریت، حقوق، اقتصاد و چند رشته دیگر به صورت مفصل مورد بحث قرار گرفته است.

صاحب‌نظران برای مفهوم «ذی‌نفع»^۶ تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در ذیل مقوله‌هایی نظیر علاقه، حق، مالکیت، دانش، اثر، نفوذ یا همکاری برشمرد که به واسطه آن‌ها، اشخاص و گروه‌ها، علاقه‌ای نسبت به یک امر در حال جریان، که به اشکال اقتصادی، فرهنگی، سیاسی در سازمان نمود می‌یابد، داشته باشند. برخی از تعاریف قابل توجه از سوی آلتون و همکاران (۲۰۰۸)، فریمن (۱۹۸۴)، درو (۱۹۹۰)، نیوکمب (۲۰۰۳) اسمیت

(۱)، رابرت مرتن (مرتن، ۱۳۷۶: ۲۱)، رابینگتن و موینبگ (رابینگتن، ۱۳۷۷: ۱۳)، ساموئل کینگ (اورعی، ۱۳۷۴: ۲۱) و سی رایت میلز (میلز، ۱۳۷۰: ۲۳) اشاره کرد.

- چند مؤلفه اصلی مشترک این تعاریف^۵ را می‌توان شناسایی کرد که عبارت‌اند از:
- اختلاف، در وضع موجود و وضع مطلوب.
- نیاز، مطالبه، توقع و یا خواستی که برای رفع وضع نامطلوب که بیان می‌شود.
- وجود نارضایتی ناشی از آگاهی نسبت به وضع مطلوب.

- مسائل فقط در جامعه انسانی قابل بروز و درک است.

- شکل‌گیری نظام ارزشی مطلوبیت.

- امکان تشخیص و احساس (عینیت).

- تصمیم برای اصلاح.

- تغییرپذیری.

- عمومی بودن.

با این توضیحات، مهم‌ترین گام در شناخت مسائل، تبیین این مؤلفه‌ها و تعیین شاخص‌ها و استانداردهای مورد نیاز برای آن‌ها است. چنانکه، تعیین اینکه اختلاف چیست، وضع مطلوب کدام است و نارضایتی باید مبتنی بر کدام معیار باشد و تا چه حد مورد پذیرش است و نیز شناسایی وضع موجود و ابزار و معیارهای مورد نیاز

۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به؛ مسائل اجتماعی ایران (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۳)، سیاست‌گذاری عمومی (مجید وحید، ۱۳۸۳) و مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها (حمیدرضا ملک‌محمدی، ۱۳۸۵)

6. Stakeholder

حق خود را از کسی» آمده است. با این تعریف و اینکه حقوق شهروندان مقدم است، خواسته‌ها و نیازهای سینماگران را به عنوان «مطالبه» در نظر می‌گیریم. بدین ترتیب سینماگران به عنوان ذی‌نفع اصلی در فرایند سیاست‌گذاری، در طلب حقوق خود در این فرایند به شمار می‌روند و حق دارند مسائل پیش روی آن‌ها به راه‌حلی در سیاست‌گذاری ختم شود.

از سوی دیگر، واژه «توقع» بیشتر به امید و انتظار برای دستیابی به یک خواسته نزدیک است و با توجه به جایگاه سیاست‌گذار به عنوان کسی که قدرت در اختیار اوست، این واژه را برای این ذی‌نفع برمی‌گزینیم. سیاست‌گذار به عنوان ذی‌نفعی که تنظیم‌کننده دستور کار، انتخاب راه‌حل، اجرا و تضمین آن را در اختیار دارد، جایگاه تأثیرگذارتری دارد و در این رابطه باید دست بالاتری داشته و به حل مسائل سینما بیشتر کمک کند.

آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم سیاست‌گذار در مقابل نارضایتی جمعی که به عنوان یک مطالبه نیازمند پاسخ است، می‌تواند چه واکنشی نشان دهد و باید چه کند. این موضوع به نوع رابطه دولت و سینماگر به عنوان بخشی از جامعه برمی‌گردد. به عبارتی باید در پی آن باشیم تا بدانیم در رابطه میان جامعه و سیاست‌گذاران باید چه نوع تعاملی صورت بگیرد که به حل موفق مسئله ختم شود. برای یافتن پاسخ این پرسش به یک مدل نظری ارائه‌شده در روان‌شناسی رشد رجوع می‌کنیم. این مدل به ما کمک می‌کند تا بدانیم هنگام مواجهه با مسائل ممکن است چه نوع رفتاری از سوی یک شخص بروز یابد.

۱-۳. نسبت مطالبه، توقع و پاسخ‌گویی

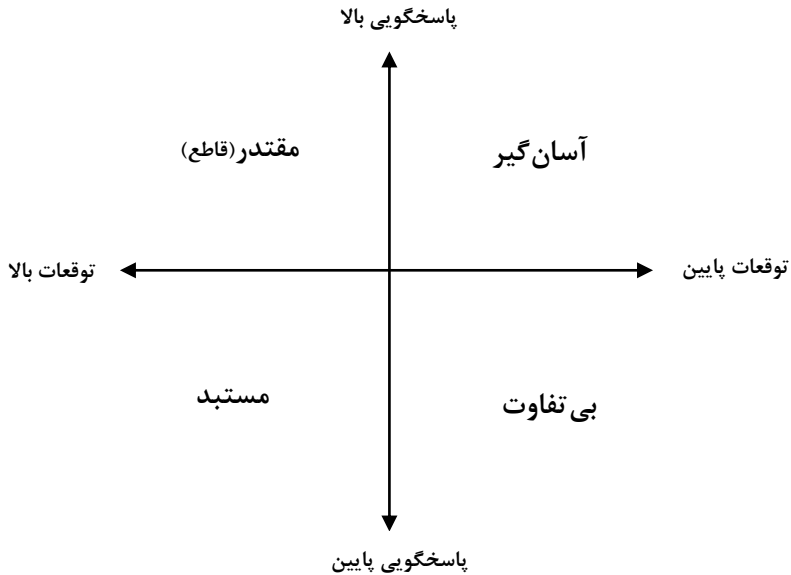
با توجه به آنچه از مفهوم مسئله به دست آمد،

و همکاران (۲۰۰۴)، انجمن مدیریت پروژه (۲۰۱۳) و بومگانت و لیچ (۱۹۹۸) ارائه شده که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد.

بر مبنای تعاریف می‌توان گفت که گروه‌ها یا اشخاص ذی‌نفع در فرایند سیاست‌گذاری به عنوان کسانی که سهم یا علاقه‌ای نسبت به موضوع یا مسئله دارند، حضور دارند. البته نسبت و سطح حضور با توجه به شدت و ضعف موضوع، نوع نگاه دولت نسبت به مشارکت ذی‌نفعان، توانمندی ذی‌نفعان و سایر عوامل می‌تواند متفاوت باشد. در واقع ارتباط مؤثر ذی‌نفعان با یکدیگر به تداوم فعالیت‌های کسب و کار و موفقیت سازمان برای رسیدن به اهداف کمک می‌کند، اما این ارتباط مؤثر منوط به درک خواسته‌های طرفین ارتباط است. این خواسته‌ها می‌تواند به شکل طلبکارانه یا متوقعانه بروز نماید.

در سینما، با توجه به اینکه سینماگران و سیاست‌گذاران به عنوان ذی‌نفعان اصلی، مطرح می‌شوند، نفع و علاقه طرفین باید در نظر گرفته شود. این امر به تعیین چپستی اختلاف، وضع مطلوب، معیار نارضایتی و حد مورد پذیرش، شناسایی وضع موجود و ابزار و معیارهای مورد نیاز برای مقایسه با وضع مطلوب، جهت تعریف مسئله و وارد کردن آن در دستور کار سیاست‌گذاری، کمک خواهد کرد. خواسته‌ها و نیازهای هریک را در اینجا در مفاهیم «مطالبه» و «توقع» برای این دو ذی‌نفع اصلی فرایند سیاست‌گذاری در سینما به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

واژه «مطالبه»، مانند خواسته‌ای است که در آن احساس حقی وجود دارد و آن را برای ذی‌نفعان سینماگر در نظر می‌گیریم، زیرا بنا به تعریف لغت‌نامه دهخدا مطالبه به معنای «خواستن چیزی یا



تصویر ۱. سنخ‌شناسی والدین بر مبنای توقعات و پاسخ‌گویی از نظر بامریند (همان)

در روان‌شناسی پیرامون پاسخ به مطالبه کودکان و متوقع بودن از آن‌ها، برای انتخاب میان سازگاری و اقتدار، انعطاف و قاطعیت و کنترل مستقیم و غیرمستقیم به صورت مفصل بحث شده است. از کسانی که به این موضوع پرداخته یک روان‌شناس رشد به نام دیانا بامریند^۷ است. بامریند در پژوهش خود، مفهوم پاسخ‌گویی والدین را میزان پاسخ‌دهی والدین به نیازهای فرزندشان تعریف می‌کند و در مقابل، متوقع بودن را بیانگر آن می‌داند که آن‌ها تا چه اندازه از کودک خود انتظار دارند تا هر روز مسئولیت‌پذیری و از خودگذشتگی بیشتری نشان دهد.

وی، والدین با توقع بالا و پاسخ‌گویی پایین را «مستبد»^۸ می‌نامد و والدین کم‌توقعی را که

می‌توانیم بگوییم مسئله، برابند مطالباتی است که از سوی سینماگران به نظام سیاست‌گذاری وارد می‌شود، زیرا احساس نیاز برای دست‌یابی به وضعیت مطلوب چیزی است که پیرامون یک وضعیت برای سینماگران شکل گرفته است. سینماگران ناراضی از وضع موجود مطالبه خود را به دولت (سازمان سینمایی) اعلام می‌دارند و متولی سینما باید نسبت به آن موضع‌گیری و پاسخ‌گویی داشته باشد. در این پاسخ‌گویی، دولت خود را محق می‌داند از سینماگران توقعاتی داشته باشد، زیرا برای اداره امور سینما علاوه بر وظایفی که برعهده دارد، حقوقی نیز برای خود قائل است. نحوه پاسخ‌گویی دولت به مطالبات، شکلی از رابطه میان پاسخ‌گویی و مطالبه‌گری ایجاد می‌کند. برای ترسیم آن از ادبیات علم روان‌شناسی کمک می‌گیریم.

7. Diana Baumrind

8. Authoritarian

• سیاست‌گذارانی که مستبدانه برخورد کرده، به مطالبات سینماگران توجهی نداشته و توقعات زیادی از سینماگران دارند. دستور کاری را شاهد خواهیم بود که منافع دولت غلبه دارد و مسائل حاکمان برای ارائه تکالیف جدید در آن قرار می‌گیرند.

شاید بتوان از این تیپ‌های نظری در میان مدیران دولتی سینمای ایران اشخاصی یافت و نامی از آن‌ها برد و حتی در این تیپ‌ها میانه‌هایی پیدا کرد. در اینجا هدف تیپ‌شناسی کلی از این الگو است. اگر خواهیم با استفاده از تیپ‌شناسی که از سیاست‌گذاران به دست می‌آوریم، دستور کارهای مربوط به مسائل سینمای ایران را در هر دوره‌ای بررسی کنیم، تصویر دقیقی از سیاست‌گذاری در سینمای ایران از منظر روان‌شناسی به دست می‌آید.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این نوشتار سعی شده با تکیه بر مفاهیم «مسئله‌شناسی» در سیاست‌گذاری، «ذی‌نفعان» در مدیریت و «شخصیت» در روان‌شناسی، چارچوب نظری لازم برای انواع شخصیت‌های سیاست‌گذاران و همچنین شاخص‌هایی که مبتنی بر رویکرد سیاست‌گذارانه است، تدوین شود. با به دست آمدن شاخص‌ها، سؤالاتی مرتبط با سینمای ایران طراحی و با روش پیمایشی و تکنیک مصاحبه با نمونه‌ای از جامعه ذی‌نفعان سینمای ایران، رویکرد مسئله‌شناسانه سیاست‌گذاران و مواجهه با مسائل سینما گردآوری و نتایج آن ارائه شد.

برای شناخت بهتر وضعیت سیاست‌گذاران در فرایند سیاست‌گذاری و شناخت تیپ‌ها در این فرایند، شاخص‌هایی نیاز داریم. به کمک ادبیات موجود از دانش سیاست‌گذاری، پیرامون ویژگی‌های سیاست‌گذاران و چگونگی تعیین و تنظیم دستور کار

پاسخ‌گویی بالایی دارند، «آسان‌گیر»^۹ برمی‌شمارد. بین آن‌ها، والدین متوقع، اما پاسخ‌گویی هم وجود دارند که آن‌ها را «مقتدر یا قاطع»^{۱۰} می‌نامد. همچنین با توسعه این تیپ‌شناسی بخش چهارمی بدان اضافه شد و مربوط به والدینی است که نه توقعی دارند و نه پاسخی می‌دهند و آن‌ها را «بی‌تفاوت»^{۱۱} می‌نامد (M. Kidder, 2010: 73-74). در تصویر شماره ۱ سیستم مورد نظر بام‌ریند آمده است.

مطابق سنخ‌شناسی فوق می‌توانیم میان سیاست‌گذار و جامعه (در اینجا سینماگران) رابطه‌های مختلفی ترسیم کنیم تا بدانیم، سیاست‌گذاران چه رویکردی در پاسخ به مطالبات داشته و چه توقعاتی از سینماگران دارند:

• سیاست‌گذارانی که قاطعانه برخورد کرده، مطالبات سینماگران را مورد توجه قرار داده و پاسخ توقعات خود را از سینماگران دریافت می‌کنند. در اینجا دستور کاری منطقی می‌تواند شکل بگیرد.

• سیاست‌گذارانی که آسان‌گیرانه برخورد کرده، مطالبات سینماگران را مورد توجه قرار می‌دهند، اما توقعات خود را از سینماگران پیگیری نمی‌کنند. در این حالت انتظار می‌رود دستور کاری منطبق با نیازهای سینماگران شکل بگیرد.

• سیاست‌گذارانی که با بی‌تفاوتی برخورد کرده، به مطالبات سینماگران توجهی نمی‌کنند و توقعی هم از سینماگران ندارند. برای این سیاست‌گذاری انتظار می‌رود دستور کاری که مسائل سطحی که هیچ تغییر خاصی را هم رقم نمی‌زنند و عایدی ندارند، تدوین شود.

9. Permissive
10. Authoritative
11. Unengaged

درباره «ملاک تصمیم‌گیری»، «تیپ شخصیتی در تصمیم‌گیریان» و «ویژگی‌های حرفه‌ای» آن‌ها بوده است.

از پاسخ‌گویان خواسته شد تا نظرات خود را در خصوص اینکه سیاست‌گذاران سینما برای انتخاب مسائل چه ملاک‌هایی را در نظر می‌گیرند، بیان کنند. پاسخ‌های آنان به شرح زیر است:

در خصوص ملاک سیاست‌گذاران سینما در انتخاب مسائل برای تصمیم‌گیری دو ملاک «حاد بودن مسائل سینما» و «دوره مدیریتی» به ترتیب بیشترین عامل تأثیرگذار بر تصمیمات سیاست‌گذاران توسط پاسخ‌گویان برشمرده شد (جدول شماره ۳). چنانکه ۴۱/۵ درصد معتقدند که تا موقعی که مسائل سینما به مرحله «حاد» نرسد، سیاست‌گذاران درباره آن تصمیم‌گیری نمی‌کنند و ۳۶ درصد از پاسخ‌گویان انگیزه «انجام کاری برای یک دوره مدیریتی» را دلیل حتمی سیاست‌گذاری‌ها در سینما می‌دانند. به اعتقاد بیشتر پاسخ‌گویان «نباز سینماگران» به عنوان ملاک تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌ها کمترین نقش را در میان دیگر ملاک‌های مورد بررسی دارد.

برای اینکه بدانیم سیاست‌گذاران چه تیپ شخصیتی دارند، از پاسخ‌گویان چهار سؤال پیرامون چهار تیپ مورد نظر پرسیده شد. در اینجا گزاره «نسبت به مسائل سینما بی‌تفاوت‌اند» برای تیپ «بی‌تفاوت»، گزاره «تلاش می‌کنند سینما پررونق و شکوفا باشد» برای تیپ «آسان‌گیر»، گزاره «سینما را در خدمت اهداف سیاسی خودشان قرار می‌دهند» برای تیپ «مستبد» و گزاره «در تصمیمات خود قاطع‌اند» برای تیپ «قاطع» در نظر گرفته شد، چرا که در شناسایی شاخص‌ها نتایج ما را به این شاخص‌ها رهنمون می‌کرد. بر این مبنا، پاسخ‌گویان

و روان‌شناسی، درباره رفتارهای والدین نسبت به فرزندان و با توجه به شاخص‌های اصلی «ملاک تصمیم‌گیری»، «تیپ شخصیتی در تصمیم‌گیری» و «ویژگی‌های حرفه‌ای» برای هر تیپ چند ویژگی و مشخصه تعیین کردیم. بدین شکل که با مرور بر ادبیات حوزه روان‌شناسی الگوهای شخصیتی بر مبنای نظریه بام‌ریند به عنوان شاخص اصلی شناسایی شدند. در ادامه با توجه به ادبیات سیاست‌گذاری در خصوص روندهای شکل‌گیری دستورکار و اینکه چگونه یک مسئله در دستورکار قرار می‌گیرد و عوامل تأثیرگذار کدام هستند، شاخص‌های فرعی شناسایی و در کنار هریک از شاخص‌های اصلی قرار گرفتند (جدول شماره ۱).

این ویژگی‌ها به عنوان شاخص برای دست‌یابی به اهداف پژوهش در یک پرسش‌نامه طراحی و به پرسش گذاشته شد؛ بنابراین برای پرسشگری بر مبنای شاخص‌های مذکور و درک بهتر هر شاخص سؤالاتی در نظر گرفته شد که در ادامه خواهد آمد.

در مصاحبه‌هایی که با استفاده از یک پرسش‌نامه بسته از ۵۳ نفر از جامعه ذی‌نفعان سینمای ایران به صورت نمونه‌گیری احتمالی و خوشه‌ای انجام شد. سعی شد از طیفی متنوع و در عین حال مرتبط با سینما (اعم از سینماگران، مدیران فرهنگی، هنری و سینمایی، مدرسان، استادان و دانشجویان سینما و فعالان رسانه‌ای)، که درکی از فرایند سیاست‌گذاری در سینما داشته باشند، سؤالات پرسیده شود. از همین جهت، از منظر جنسیت، سن، تحصیلات و شغل تنوع لازم را در میان پاسخ‌گویان داریم (جدول شماره ۲).

۳. یافته‌های پژوهش

سؤالات پرسیده‌شده شامل سه سؤال اصلی

جدول ۱. انطباق شاخص‌های سیاست‌گذاری با شاخص‌های شخصیتی سیاست‌گذاران

نوع برخورد سیاست‌گذاران				شاخص اصلی	شاخص فرعی
مستبد	بی تفاوت	آسان‌گیر	قاطع		
ندارد	ندارد	کم	دارد	اولویت‌بندی مسائل برای دستور کار	
کم	خیلی زیاد	زیاد	کم	تأثیر فشار بیرون از سازمان	ملاک
زیاد	زیاد	کم	کم	منافع فردی	تصمیم‌گیری
ندارد	کم	زیاد	زیاد	توجه به نیازهای عمومی	
زیاد	زیاد	کم	کم	بی تفاوتی نسبت به مسائل	
کم	کم	زیاد	زیاد	توجه به رونق و شکوفایی	تیپ شخصیتی در تصمیم‌گیری
زیاد	کم	کم	کم	استفاده ابزاری از موضوع	
زیاد	کم	کم	زیاد	میزان قاطعیت در اجرای راه‌حل‌ها	
خوب	ضعیف	خوب	خوب	شناخت فرایند سیاست‌گذاری	
کم	کم	زیاد	زیاد	مشاوره از متخصصان و کارشناسان	ویژگی حرفه‌ای
کم	کم	کم	زیاد	اعمال عقلانیت در راه‌حل‌ها	
کم	کم	زیاد	زیاد	شناخت موضوع سیاست‌گذاری	

نظرات خویش را به شرح زیر ارائه کرده‌اند:

پاسخ‌گویان در ارزیابی خود نسبت به سیاست‌گذاران از منظر تیپ شخصیتی، احتیاط بیشتری داشتند و تعداد کمتری حکم قطعی نسبت به آن‌ها صادر کرده‌اند. چنانکه بیشتر پاسخ‌ها پیرامون طیف‌های «تأحدی» و «کم» است (جدول شماره ۴).

با این حال می‌بینیم که بیشتر پاسخ‌گویان بر این گزاره تأکید دارند که سیاست‌گذاران در سینما «سینما را در خدمت اهداف سیاسی خودشان قرار می‌دهند». حدود ۴۰ درصد پاسخ‌گویان «تا حدی»

سیاست‌گذاران را افرادی بی تفاوت نسبت به مسائل سینما برمی‌شمارند و به همین نسبت میزان قاطعیت آن‌ها در تصمیمات را «کم» می‌دانند و ۲۱ درصد هم اعتقاد دارند که «اصلاً» قاطعیتی ندارند. به علاوه، باید به نگاه مثبت ۱۹ درصد از پاسخ‌گویان اشاره کرد که معتقدند، سیاست‌گذاران «حتماً» تلاش می‌کنند سینما پررونق و شکوفا باشد، هر چند در مقابل همین تعداد حدود ۳۶ درصد تلاش سیاست‌گذاران را در این امر «کم» می‌شمارند.

برای اینکه بدانیم که شخصیت‌های مورد بررسی به لحاظ ویژگی‌های حرفه‌ای سیاست‌گذاری از چه مختصاتی برخوردارند و سپس نسبت آن‌ها را

جدول ۲. مشخصات پاسخ‌گویان

جنس	زن	مرد	بدون پاسخ	
درصد	۲۸/۳	۶۶	۵/۷	
سن	بالای ۶۰ سال	بین ۳۰ تا ۶۰ سال	زیر ۳۰ سال	بدون پاسخ
درصد	۵/۷	۶۵/۶	۲۴/۵	۱۳/۲
تحصیلات	پایین‌تر از کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی ارشد و دکتری	
درصد	۱۸/۹	۳۹/۱	۲۰/۲	
شغل	سینماگر	دانشگاهی (استاد یا دانشجو)	فعال رسانه‌ای	مدیر یا کارمند دولتی
درصد	۲۲/۶	۱۸/۹	۱۸/۹	۲۴/۵
			سایر مشاغل	بدون پاسخ
			۹/۴	۵/۷

دو ملاک «حاد بودن مسائل سینما» و «دوره مدیریتی (اینکه در دوره خود کاری کرده باشند)»، از جمله ملاک‌هایی هستند که برای دو تیپ «بی‌تفاوت» و «مستبد» اهمیت بیشتری دارد.

ویژگی «سینما را در خدمت اهداف سیاسی خودشان قرار می‌دهند» برای کسانی است که «مستبد» هستند، بیشتر استفاده می‌شود، زیرا به دنبال منافع شخصی خود هستند.

کسانی که ویژگی حرفه‌ای آن‌ها «به دنبال منافع شخصی و گروهی خودشان هستند» است، غالباً

در تعیین شخصیت‌ها ترسیم کنیم، چند ویژگی را برشمردیم که در نظر پاسخ‌دهندگان به شرح جدول شماره ۵ است. از منظر ویژگی‌های حرفه‌ای مربوط به مدیران و سیاست‌گذاران در سینما، پاسخ‌گویان کمتر باور داشتند که آن‌ها با «فرایند سیاست‌گذاری» و «مسائل سینما» آشنا هستند و بیشتر «به دنبال منافع شخصی و گروهی خودشان هستند» و «راه‌حلی» که برای سینما ارائه کرده‌اند، چندان برای سینما «مناسب» نبوده است.

با توجه به این یافته‌ها، چند نکته قابل بررسی است:

جدول ۳. نظر پاسخ‌گویان در خصوص ملاک سیاست‌گذاران سینما در انتخاب مسائل برای تصمیم‌گیری

ملاک تصمیم‌گیری	حتماً	تا حدی	کم	اصلاً
مسائل حادی که تأثیرات سیاسی دارند	۴۱/۵	۳۴/۴	۹/۴	۵/۷
فشارهای غیرسینمایی بیرون از سازمان	۱۳/۲	۴۷/۲	۲۸/۳	۱۱/۳
دوره مدیریتی (اینکه در دوره خود کاری کرده باشند)	۳۵/۸	۳۴	۲۰/۸	۹/۴
نیاز سینماگران	۱۷	۳۰/۲	۳۰/۲	۲۲/۶

جدول ۴. نظر پاسخ‌گویان در خصوص تیپ شخصیتی سیاست‌گذاران در سینما

اصلاً	کم	تا حدی	حتماً	تیپ شخصیتی در تصمیم‌گیری
۱۸/۹	۲۸/۳	۳۹/۶	۱۳/۲	نسبت به مسائل سینما بی‌تفاوت‌اند
۱۵/۱	۳۵/۸	۳۰/۲	۱۸/۹	تلاش می‌کنند سینما پررئوق و شکوفا باشد
۱۱/۳	۱۷	۴۷/۲	۲۴/۵	سینما را در خدمت اهداف سیاسی‌خودشان قرار می‌دهند
۲۰/۸	۳۹/۶	۳۴	۵/۷	در تصمیمات خود قاطع‌اند

دولتی (سازمان سینمایی) در آن وضعیت یا پدیده می‌توانیم در نظر بگیریم. شکل‌های ممکن تعامل آن‌ها از منظر روان‌شناسی به بحث گذاشته و با بررسی میدانی نیز ارزیابی شد.

آنچه در این پژوهش به دست آمد، حاوی نکات بسیاری است که هر یک می‌تواند ما را برای پژوهش‌هایی دقیق‌تر و گسترده‌تر رهنمون سازد. با این حال می‌توان نتایج زیر را برشمرد.

فرایند سیاست‌گذاری در سینمای ایران چیزی متفاوت از فرایندهای سیاست‌گذاری در دیگر حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی در کشور نیست. سیاست‌گذاران این حوزه نیز تفاوتی با دیگر سیاست‌گذاران نمی‌توانند داشته باشند. فقط عرصه

افراد هستند که تیپ «بی‌تفاوت» یا «مستبد» دارند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این نوشتار آن بود که بدانیم سیاست‌گذاران کشور در عرصه سینما چه رویکردی نسبت به مطالبات سینماگران دارند و می‌توان چه مواجهه‌ای میان مطالبات و توقعات سینماگران و دولتمردان تصور کرد. از این منظر با مروری بر ادبیات پیرامون مفهوم «مسئله» سعی شد تبیین دقیقی از آنچه که محل تلاقی مطالبه و توقع است به دست آوریم. مطالبه‌ای که نسبت به یک وضعیت یا پدیده از سوی عموم (سینماگران) وجود دارد و پاسخ‌گویی همراه با توقعی که از جانب تصمیم‌گیر

جدول ۵. نظر پاسخ‌گویان در خصوص ارزیابی ویژگی‌های حرفه‌ای سیاست‌گذاران سینمایی

اصلاً	کم	تا حدی	حتماً	ویژگی حرفه‌ای
۲۲/۵	۳۷/۷	۳۲/۱	۷/۵	فرایند سیاست‌گذاری را می‌شناسند
۹/۴	۳۲/۱	۴۱/۵	۱۷	برای تصمیم‌گیری از نظر متخصصان استفاده می‌کنند
۲۸/۳	۳۴	۲۶/۴	۱۱/۳	راه‌حل‌های مناسبی برای حل مسائل سینما ارائه می‌کنند
۱/۹	۱۱/۳	۴۲/۴	۴۲/۴	به دنبال منافع شخصی و گروهی خودشان هستند
۲۲/۳	۲۸/۳	۳۲/۱	۱۷	احاطه کامل به مسائل سینما دارند

جدول ۶. بررسی نقش‌های مدیریتی اعمال‌شده در سینما پس از انقلاب تا ۱۳۹۷ (سازمان سینمایی، ۱۳۹۸)

نقش مدیریتی اعمال‌شده	درصد
هماهنگ‌سازی ^۱	۳۸/۳
کنترل ^۲	۱۳/۵
فرماندهی ^۲	۲۱/۹
برنامه‌ریزی ^۲	۲۶/۳
مجموع	۱۰۰

۱. به نقش‌های رابط، توزیع‌گر اطلاعات، حلال مشکلات و مذاکره‌گر اشاره دارد و در پی ایجاد فرصت برای بهره‌مندی از تجربیات و امکانات متقابل میان سینما و سایر حوزه‌های داخلی و خارجی است (اقداماتی که مربوط به همکاری و هم‌نشینی مسئولین سینما با سینماگران، مدیران سینما با نهادها و دستگاه‌های سینمایی و غیرسینمایی در بخش‌های دولتی و غیردولتی در داخل یا خارج از کشور یا اقداماتی که به دسترسی و دست‌یابی سینماگران به یک منفعت یا مزیتی در داخل و خارج از کشور منجر شده و مانند آن‌ها).

۲. به نقش‌های نظاره‌گر راهبردی اشاره دارد (اقدامات مربوط به اعمال حاکمیت دولت‌ها مورد توجه قرار گرفتند که در واقع تصمیمات و اقداماتی که به تعیین و اعمال ضوابط و مقررات در سینما و سینماگران یا ایجاد سازوکارهای مربوط به آن‌ها منجر شود).

۳. به نقش‌های رهبری و تصمیمات کلان و راهگشا در سینما اشاره دارد (اقداماتی که بیشتر جنبه تصمیم‌گیری کلان سینمایی دارد و صرفاً توسط سازمان سینمایی یا معاونت سابق انجام شده تا مسیری در سینمای ایران ایجاد، اصلاح، تقویت یا ممانعت شود. این اقدامات را در واقع جزو وظایف اصلی مدیریت دولتی سینما می‌توان برشمرد که می‌تواند از دولتی به دولت دیگر متفاوت باشد و حتی می‌تواند در ضدیت یا یکدیگر باشند، یعنی تصمیم یا اقدامی توسط یک مدیر سینما در دولتی اجرا شد، اما مدیر بعدی در همان دولت یا دولت بعدی تصمیم به ممانعت آن گرفت و اجرای آن متوقف شد).

۴. به نقش‌های تخصیص‌گر منابع و کارآفرین اشاره دارد و به دنبال دسترسی همگانی به منابع موجود است (اقداماتی که با هدف تخصیص منابع مالی و تأمین، توزیع منافع بین سینماگران یا توسعه زیرساخت‌های سینمایی و مانند آن‌ها اجرا شده).

این پشتوانه اجتماعی باعث شده تا مطالبات آنان بیشتر شنیده شود و فشار اجتماعی بیشتری را بر سیاست‌گذاران در سینما وارد کنند. در مقابل، این سیاست‌گذاران نیز در کنار پاسخ‌گو بودن به مطالبات، به دلیل ذات فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، از این بخش برای دست‌یابی به اهداف نظام توقعاتی دارند. تقابل این دو ساختار نظام سیاست‌گذاری در سینمای ایران را شکل داده و فعالان و مرتبطان با سینما نسبت به این شکل دیدگاه‌ها و نظراتی دارند. آن‌ها بر این باورند که سیاست‌گذاران سینمای ایران:

- غالباً رویکردشان در تصمیم‌گیری برای انتخاب

تصمیم‌گیری متفاوت است. حوزه سینما برخلاف دیگر حوزه‌های فرهنگی هنری که در کلیات با آن‌ها مشترک است، ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. این ویژگی ناشی از ابعاد رسانه‌ای گسترده، جذابیت بالای هنری و گردش اقتصادی به نسبت مطلوب آن است.

اهمیت این پدیده در حدی است که در بخش سیاست‌گذاری فرهنگی هنری پربسامدترین حوزه در محافل سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود. از این جهت مسائل و موضوعات آن نیز بُرد عمومی بیشتری دارد.

رویکرد آن‌ها بیشتر وقت مدیریتی خود را برای تعامل مستقیم با سینماگران و همچنین نهادها و سازمان‌های مختلف داخلی و خارجی می‌گذراندند تا بتوانند طی عقد تفاهم‌نامه یا موافقت‌نامه راهگشای فعالیت‌های سینمایی باشند یا آنکه برنامه‌های مشترک با مجموعه مقابل خود به نفع سینماگران برگزار نمایند که می‌توانست در قالب هفته‌های فیلم، جشنواره‌ها، سازوکارهای اجرایی یا تبادل سینماگران باشد. در مقابل رویکرد کنترلی آن‌ها در مدیریت نسبت کمتری (۱۴ درصد) را به خود اختصاص داده است.

این بدان معناست که سیاست‌گذاران در این مدت بیشتر به سمت سیاست‌هایی گرایش داشته‌اند که کمترین فشار را بر نظام مدیریتی‌شان وارد کند. چون علاوه بر اینکه این فشار از جانب سینماگران بر آن‌ها وارد می‌شود از سوی سازمان‌های فرادستی و گروه‌های ذی‌نفع فرهنگی و اجتماعی نیز تحت فشار بوده و هستند؛ بنابراین با اتخاذ سیاست‌های مدارامحور که به تغییراتی چشمگیر منجر نشود، سعی در حفظ وضع موجود و توسعه آرام سینما داشته‌اند.

هرچند نمی‌توان همه سیاست‌گذاران و همه سال‌های سیاست‌گذاری در سینمای ایران، به خصوص پس از انقلاب اسلامی را بدون چالش و با ویژگی‌های مشترک و یکسان دانست، اما در این دو بررسی نتیجه‌های همسانی به دست آمده است. به همین دلیل می‌توان ارزیابی بیشتر پاسخ‌گویان مبنی بر «بی‌تفاوت بودن» سیاست‌گذاران سینما، «نداشتن قاطعیت»، «آشنایی کم با مسائل سینما»، «نامناسب بودن راه‌حل‌ها» و توجه کمتر به «تیزهای سینما» را نتیجه سیاست‌هایی دانست که در دوران آشنای پاسخ‌گویان اتخاذ و اجرا شده و عموم مرتب‌تبان با سینما از آن آگاه هستند.

مسئله یا راه‌حل مبتنی بر «حاد بودن مسئله» و «فشار بیرونی» و «انجام کاری در دوره مدیریتی» است و امر تا حدی خلاف آن‌ها، یعنی «توجه به نیاز سینماگران»، کمتر مورد نظر آن‌هاست؛ بنابراین به تیپ‌های «بی‌تفاوت» و «مستبد» نزدیک می‌شوند.

• از منظر تیپ‌های شخصیتی هم کم و تا حدی «بی‌تفاوت» هستند و در همین حد به «رونق و شکوفایی سینما» توجه می‌کنند و بیشتر در تلاش هستند تا «اهداف سیاسی خود» را پیگیری کنند و میزان «قاطعیت‌شان در تصمیم‌گیری» رو به کم است که می‌توان تا حدی به تیپ «آسان‌گیر» نزدیک دانست.

• شناخت آن‌ها از «فرایند سیاست‌گذاری» و «مسائل سینما» در حد میانه، رو به پایین است و کمتر از «نظر متخصصان» استفاده می‌کنند و راه‌حل‌هایشان کمتر مناسب است و بیشتر به دنبال منافع شخصی و گروهی خودشان هستند. از این منظر به تیپ «مستبد» نیز نزدیک‌ترند.

این ارزیابی‌ها قطعاً از منظر سیاست‌گذاری بسیار حائز اهمیت است، چراکه سیاست‌گذاران بازخورد سیاست‌ها و کنش‌های عمومی خود را در درون طیفی از جامعه که در مواجهه مستقیم با آن‌ها هستند، دریافت می‌کنند.

با این حال، آنچه اهمیت دارد، این است که این ارزیابی با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهشی که در سازمان سینمایی در خصوص نقش‌های مدیریتی اعمال‌شده در سینمای پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۷ انجام شده هم‌خوانی دارد.

در آن پژوهش (جدول شماره ۶) گفته شده که مدیران سینمای ایران گرایش بیشتری به رویکرد هماهنگ‌سازی (۳۸ درصد) داشتند. در این

سوی نظام‌های سیاست‌گذاری، به خصوص سینما در پیش گرفته شده می‌تواند به این مهم کمک کند.

کاستن از فردیت در نظام سیاست‌گذاری و ارتقای آن به یک سیستم باعث می‌شود که تأثیرات فردی سیاست‌گذار در فرایند تعدیل شود و با تغییر مدیران ویژگی‌های نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سینما تغییرات چشمگیری به خود نبیند. برای دست یافتن به ابعاد گسترده‌تر موضوع این نوشتار می‌توان به موضوعاتی چون بررسی علل و عوامل شکل‌گیری نظام سیاست‌گذاری بی‌تفاوت و دارای قاطعیت پایین در سینما، تفاوت‌های فردی سیاست‌گذاران، جایگاه فرد در نظام سیاست‌گذاری و مانند آن‌ها اشاره کرد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

چنین رویکردهایی در سینمای ایران منجر به انفعال در یکی از پویاترین حوزه‌های فرهنگی کشور شده است. در حالی که سینما با قابلیت‌های چندگانه خود می‌تواند در بخش‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی حضور بسیار پررنگ‌تری داشته و به عنوان یکی از پیشران‌های توسعه مورد توجه ویژه باشد، به درستی مورد توجه سیاست‌گذاران قرار نگرفته است، چراکه حیات سینما وابسته به حمایت‌های دولتی شده و قاطبه سینماگران هم نتوانسته‌اند به درستی شرایط سیاست‌گذاران را درک کنند.

۱-۴. پیشنهاد سیاستی

قرار گرفتن در الگوی مطلوب شخصیتی برای یک سیاست‌گذار به زمینه‌های مختلف فردی، اداری و سیاسی پیرامون سیاست‌گذاری در سینما برمی‌گردد. طراحی درست نظام سیاست‌گذاری در سینمای ایران که برخاسته از درک درست نظام کلان سیاست‌گذاری، حوزه سینما و نیازهای واقعی سینماگران باشد و حمایت نظام‌مند از جانب نهادهای کلان نظارتی و سیاستی داشته باشد، مسیری است که می‌تواند خود واقعی سیاست‌گذاران را بیشتر بروز دهد و در مقابل، پاسخ‌گویی به نیازها و مطالبات سینماگران، توقعات خود و نظام سیاست‌گذاری را از آن‌ها پیگیری باشند.

شاید بسیاری از ذی‌نفعان چون اطلاع دقیقی از آنچه در جعبه سیاه سیاست‌گذاری در سینما می‌گذرد، ندارند؛ ارزیابی درست و دقیقی از این فرایند و حاضران در آن نداشته باشند. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت که مجموعه‌های سیاست‌گذار در سینما، راه ورودی را برای سینماگران جهت دیدن و نمایش آنچه که تاکنون اطلاعی نداشتند، فراهم آورند. بی‌شک، رویکرد شفاف‌سازی‌های اخیر که از

منابع فارسی

- الوانی، س. م. (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات سمت.
- اورعی، غ. ر. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- دورکیم، ا. (۱۳۶۸). قواعد روش جامعه‌شناسی. [ترجمه فارسی: ع. م. کاردان]. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رابینگتن، ا. (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی [ترجمه فارسی: ر. صدیق سروسستانی]. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فرج، م. ح. و رضایی، ف. (۱۳۹۹). شناسنامه سینماهای کشور در سال ۹۸. تهران: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی.
- شیرمحمدی، ج. (۱۳۷۶). سیاست‌گذاران یا سیاست‌بازان سینمای بعد از انقلاب. تهران: نشر ناوک.
- غفوری‌آذر، ب. (۱۳۸۸). پرونده یک موضوع: معاونت سینمایی، رفت‌وآمد در عمارت خیابان کمال‌الملک. خردنامه همشهری، ۱۶: ۲۷-۳۶.
- حیدری، م. ع. (۱۳۹۵). سینمای دهه شصت ایران از نگاه منتقدان. تهران: روزنه.
- مرتین، ر. ک. (۱۳۷۸). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی [ترجمه فارسی: م. ر. جوادی یگانه]. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۸: ۲۱-۲۳.
- میلر، س. ر. (۱۳۶۹). بینش جامعه‌شناختی نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی [ترجمه فارسی: ع. انصاری]. تهران: مرکز امور توان‌بخشی نابینایان رودکی.

References

- Alvani, S. M. (2010). [Public policy – making (Persian)]. Tehran: SAMT. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=2162415&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Aaltonen, K., Jaakko, K., & Tuomas, O. (2008). Stakeholders' salience in global projects. *International Journal of Project Management*, 26 (5), 509-516. [DOI:10.1016/j.ijproman.2008.05.004]
- Baumgartner, F. R., & Leech, B. L. (1998). *Basic Interests: The importance of groups in politics and in political science*. Princeton: Princeton University Press. https://www.google.com/books/edition/Basic_Interests/X7tkMftE-joc?hl=en&gbpv=0
- Durkheim, E. (1989). Ley reglas de la metode sociologique [A. M. Kardan, Persian Trans]. Tehran: Tehran University. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=873385&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Faraj, M. H., & Rezaei, F. (2020). [The situation of cinemas in the country in 2019 (Persian)]. Tehran: Deputy of Technology Development and Cinematic Studies. <https://apf.farhang.gov.ir/fa/filepool/4548/%d8%b4%d9%86%d8%a7%d8%b3%d9%86%d8%a798?redirectpage=%2ffa%2fest>
- Freeman, R. E. (2010). *Strategic management: A stakeholder approach*. Cambridge: Cambridge University Press. https://www.google.com/books/edition/Strategic_Management/NpmA_qEiOpkC?hl=en&gbpv=0
- Ghafori Azar, B. (2009). [Case one: Cinema Deputy, came and went in the mansion on Kamal Al-Molk Street (Persian)]. *Kherad Nameye- Hamshahri*, 37, 15-27. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/493384/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%DA%A9>
- Heidari, M. A. (2016). [Iranian cinema of the sixties from the point of view of critics (Persian)]. Tehran: rowzane. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=4155333&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Lasswell, H. D. (1971). *A preview of policy science*. New York: American Elsevier Publishing Company. https://www.google.com/books/edition/A_Pre_view_of_Policy_Sciences/MY1RAAAAMAAJ?hl=en
- Kidder, R. M. (2010). *Good kids, tough choices: How parents can help their children do the right thing*. New York: Wiley. https://www.google.com/books/edition/Good_Kids_Tough_Choices/7YBpseVsoAAC?hl=en&gbpv=0
- Merton, R. K. (1999). *Social problems and sociological theory* [M. R. Javadi Yeganeh, Persian Trans]. Ketab_Mah, 18, 21-23. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=160225&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Miler, C. R. (1990). *Sociological insights: A critique of American sociology* [A. Ansari, Persian Trans]. Tehran: Rudaki Center for the Rehabilitation of the Blind. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=4798858&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Orei, G. R. (1995). [Sociology of youth social issues (Persian)]. Mashhad: Academic Center for Education, Culture and Research. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=493705&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Pal, I. A. (2013). *Beyond policy analysis: Public issue management in turbulent times*. Toronto: Nelson Education Limited. https://www.google.com/books/edition/Beyond_Policy_Analysis/aQS1NAEACAAJ?hl=en
- Rubington, E. (2003). *The study of social problems: Seven perspectives* [R. Sedigh Sarvestani, Persian Trans]. Tehran: University of Tehran. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=702700&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Shirmohamadi, J. (1997). [Policymakers or politicians of post Islamic Republic of Iran's cinema (Persian)]. Tehran: Nawak Publications. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=565151&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author